نفت ملی یا دولتی جایگاه نفت در انتخابات ریاست جمهوری

حسن تاش، سید غلامحسین

نفت در ایران و اغلب کشورهای اوپک و به عبارت دیگر اغلب‏ کشورهای توسعه یافته صاحب نفت،سرنوشت ویژه‏ای داشته است.اولین‏ کشور جهان که در آن نفت کشف شد ایالات متحده آمریکا بود،در آن‏ کشور و برخی کشورهای دیگر نفت از ابتدا در تملک و در کنترل مردم‏ و صاحبان زمین‏هایی بود که در آن نفت اکتشاف می‏شد و با توجه به‏ استحکام نهاد مالکیت و خصوصا مالکیت بر زمین،مردم همانگونه که‏ در زمین‏های خود هر محصول دیگری را تولید و بهره‏برداری می‏کردند نفت را نیز استخراج و بهره‏برداری کردند و دولت نیز قوانین و مقررات و نظام مالیاتی متناسب با آن را تدوین و اجرا نمود.اما در ایران و در اغلب‏ کشورهایی که مورد اشاره قرار گرفت،دولت‏ها از ابتدا انحصار بهره‏برداری‏ نفت را در اختیار شرکت‏های خارجی قرار دادند و در واقع مردم را از حق‏ بهره‏برداری از این ماده،کنار گذاشتند و شرکت‏های خارجی نیز نفت را به‏ شکلی مجزا از پیکرده اقتصادی کشور تولید و بهره‏برداری نمودند.در دوره‏ ملی شدن نفت نیز با بحران‏های پی در پی که برای دولت دکتر محمد مصدق بوجود آمد،دولت معتقد به«اقتصاد بدون نفت»هرگز مجال نیافت‏ که مدل مورد نظر خود را در زمینه اداره صنعت نفت را طراحی و اجرا نماید و بعد از آن نیز نفت کماکان جدای از ملت و در کنترل دولت غیر ملی‏ و یا شرکت‏های خارجی باقی ماند.بدین ترتیب عملا،هرگز نفت ملی نشد و به عنوان ملک طلق انحصاری و ممر درآمد مستقل دولت باقی ماند، که گاهی آنرا به خارجی وامی گذاشت و گاهی خود نقش بیشتری در استخراج و بهره‏برداری از آن ایفا می‏کرد.دسترسی انحصاری به رانت عظیم‏ نفت در کنار عارضه کهنه ضعف و سستی نهاد مالکیت،موجب شد که‏ در اقتصاد سیاسی ایران همواره ثروت تابعی از قدرت باشد.استحکام‏ نهادهای حقوقی و ساختاری حاکم بر نفت و نحوه تسلط دولت بر آن به‏ حدی بوده است که در دوره بعد از انقلاب نیز کم و بیش نفت همچنان‏ در کنترل و انحصار دولت باقی مانده است.بدون شک در یک نظام‏ مردم سالار،یکی از مهمترین طرق اعمال اراده مردم در اموری که با سرنوشت ایشان ارتباط دارد،حضور آن امور در صحنه انتخابات و در معرض قضاوت و انتخاب مردم است.

اینک نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در پیش است از اولین‏ دوره انتخابات مجلس و ریاست جمهوری تا امروز تحولات همه جانبه‏ای‏ در کلیه عرصه‏ها در کشور اتفاق افتاده است و طبعا محیط رقابت انتخاباتی‏ نیز متناسب با این تحولات متحول گردیده است.اما عرصه رقابت انتخاباتی‏ در تمام این دوره‏ها از یک جهت از مشابهت ویژه‏ای برخوردار است و آن‏ این که مساله نفت هرگز در عرصه رقابت انتخاباتی حضور نداشته است. به راحتی می‏توان تحقیق نمود که در تمامی این دوره‏ها تقریبا هیچ یک‏ از کاندیداهای ریاست جمهوری و احزاب و گروه‏هائی که ایشان را کاندیدا نموده و یا برای انتخابات مجلس لیستی از کاندیداها را ارائه کرده‏اند، مواضع خود را در زمینه بخش نفت کشور و استراتژی‏ها و اهداف این‏ بخش تبین ننموده‏اند و این مساله‏ای است که شایسته است دقیقا مورد بررسی قرار گرفته و علت‏یابی شود.

برای روشن شدن بیشتر موضوع مورد بحث،اشاره‏ای به کشور ونزوئلا می‏کنیم:ونزوئلا در میان کشورهای عضو اوپک از نظر ساختار سیاسی‏ و از نظر میزان وابستگی اقتصاد آن به درآمد نفت بیشترین شباهت را با ما دارد.در انتخاب‏های این کشور،مساله نفت یکی از مهمترین(اگر نگوئیم مهمترین)موضوعات مورد بحث و یکی از مهمترین عوامل رقابت‏ میان کاندیداهاست.در آخرین انتخابات ریاست جمهوری این کشور،هر یک از کاندیداها استراتژی نفتی خود را تبیین نموده و مواضع خود را در زمینه مسائلی مانند توسعه یا عدم توسعه ظرفیت‏های تولید نفت و انجام‏ یا عدم انجام تعهدات خود در قبال سازمان اوپک و مسائلی مانند آن‏ اعلام نموده و مواضع طرف مقابل در این زمینه‏ها را به نقد می‏کشیدند، حضور محوری مسائل نفت در حیات اقتصادی و معشیت مردم است.سایر اطلاعات موجود از این کشور نیز همین مساله را تائید می‏کند.مشهور است که مردم ونزوئلا با اخبار نت سر از خواب برداشته و با اخبار نفت‏ به خواب می‏روند.غیبت نفت در عرصه رقابت انتخاباتی کشور ما نشان‏دهنده آنست که صنعت نفت در کشور ما با وجود حدود یک قرن سابقه،هنوز بومی،مردمی و ملی نشده است.

این سئوال مطرح شود که:در کشور ما نیز درآمد حاصل از صدور نفت محوری‏ترین رکن معیشت مردم است،پس تفاوت میان ما و ونزوئلا در کجاست؟در پاسخ به این سؤال و در جهت ارائه توضیح دقیق‏تر در زمینه عدم بومی شدن نفت در ایران باید به این نکته اشاره کنیم که آنچه‏ که در قبال صدور نفت خام عاید اقتصاد کشور می‏شود و در معیشت مردم‏ موثر است تنها رانت اقتصادی حاصل از صدور نفت است و این همان‏ پدیده‏ای است که اقتصاد کشور را به یک اقتصاد رانتی تبدیل نموده است. تفاوت فاحش قیمت‏های جهانی نفت خام با هزینه‏های تولید نفت در منطقه‏ خاورمیانه و کشور ما،درآمد عظیم رانت‏گونه‏ای را ایجاد می‏کند که دولت‏ به نهاد توزیع‏کننده و خود محور این رانت تبدیل شده است،اما این به‏ معنای در ارتباط بودن و آمیزش صنعت نفت با پیکره اقتصاد کشور نیست. زمانی که تولید نفت کشور در کنترل شرکت‏های خارجی بود نیز بخشی‏ از همین رانت در اختیار دولت قرار می‏گرفت.با ملی شدن صنعت نفت امر تولید و صدور نفت خام در کنترل دولت ملی قرار گرفت و بخش بیشتری‏ از این رانت به اقتصاد ملی منتقل شد اما کماکان صنعت نفت از بقیه‏ پیکره اقتصاد ملی جدا ماند بنابراین با این تعریف،بومی شدن صنعت نفت‏ امری فراتر از ملی شدن صنعت نفت است که به نظر نگارنده هنوز تحقق‏ نیافته است.در طول صد سال اگر نفت به معنای واقعی کلمه ملی و بومی و انحصارزدائی شده بود چه بسا می‏توانست به لوکوموتیو توسعه‏ اقتصادی تبدیل شود.

عرصه رقابت انتخاباتی عرصه حضور و عرض اندام مردم در انتخاب‏ گزینه‏های مختلف در زمینه نحوه برنامه‏ریزی و اداره امور کشور در شئون‏ مختلف است.در دموکراسی‏های پیشرفته اصولا مردم قبل از آنکه فرد کاندیدا و ویژگی‏های شخصیتی او را در نظر داشته باشند حزب معرفی‏کننده‏ او و ایده‏ها،استراتژی‏ها و اهداف آن را در نظر دارند.البته قصد آن نداریم‏ که دچار اغراق گردیده و نقش و ویژگی‏های فردی را منتفی نمائیم.بدون‏ شک حتی اگر یک حزب موفق و دارای موضع همه جانبه و منسجم،فرد مناسبی را کاندیدا نکند در جلب آراء مردم توفیق کافی نخواهد داشت.اما غرض تبیین این نکته است که کاندیدای ریاست جمهوری(و یا تشکیلاتی‏ که وی را کاندیدا می‏کند)باید از مواضع روشنی در همه زمینه‏ها و بویژه‏ اموری که نقش تعیین‏کننده در سرنوشت و زندگی مردم دارند،برخوردار باشد و به نظر ما مساله نفت و انرژی در کشور ما قطعا از جمله این‏ امور است.چنانچه استراتژی‏ها و اهداف هر کاندیدا در این زمینه مشخص‏ باشد.آحاد جامعه و خصوصا روشنفکران مجال می‏یابند از طریق نقد و بررسی آن،خاستگاه‏هیا خود را آشکار نموده و منعکس نمایند و کاندیداها نیز فرصت می‏یابند که مواضع خود را با خاستگاه‏های مردم و نخبگان‏ آنها تطبیق دهند.در این صورت رای اکثریت جامعه به یک کاندیدا رای‏ به مواضع وی نیز خواهد بود.به عنوان مثال در دو دوره گذشته انتخابات‏ ریاست جمهوری در عرصه‏های سیاسی و فرهنگی چنین نیز بوده است.

مسائل مربوطه به انرژی و نفت و استراتژی‏ها و اهداف این بخش با توجه به اهمیت و نقش آن در همه امور و خصوصا در سیاست داخلی‏ و خارجی و اقتصاد و تجارت خارجی و ساختار قدرت در کشور از چنان‏ اهمیتی برخوردارند که تعیین سرنوشت آن را نمی‏توان به عده‏ای خاص و دیدگاه‏هایی خاص واگذار نمود.اصولا در هر امری که جامعه و نخبگان‏ آن فرصت عرض اندام نیابند،این فرصت برای عده‏ای که حداکثر و در بهترین شرایط،صرفا به دلیل سابقه و تجربه مدیریتی‏شان برای اداره امر مورد نظر برگزیده شده‏اند،فراهم می‏شود که برداشت‏ها و استراتژی‏ها و اهداف مورد نظر خود را به تقاضا و خواست اکثریت جامعه نسبت دهند. البته مخالفان این برداشت‏ها و استراتژی‏ها نیز متقابلا ادعای نمایندگی‏ نظرات مردم را خواهند داشت و همه مدعی قیومت جامعه در امر مورد نظر خواهند بود در حالیکه بدلیل غایب بودن مردم،طبعا هیچ کدام هیچ‏ حجتی بر ادعای خود نخواهند داشت.نتیجه این کشمکش‏ها خنثی شدن‏ و یا حداقل کند شدن روند تحقق استراتژی و اهداف انتخاب شده خواهد بود.تجربه نشان می‏دهد که بویژه در اموری که از ابعاد فرامرزی برخوردارند، هنگامی که اهداف و استراتژی‏ها دچار ابهام بوده و اقدامات اجرائی با مخالفت مواجه می‏گردند،میزان توفیق بسیار محدود خواهد بود.

با توجه به آنچه ذکر شد شایسته است که کاندیداهای محترم ریاست‏ جمهوری در صورت لزوم از طریق بکارگیری کارشناسان مطلع مورد اعتماد خود،در حوزه خطیری مانند انرژی و نفت مواضع خود را تبیین و ارائه‏ نمایند.این حق مسلم مردم است که در همه اموری که با زندگی و سرنوشت ایشان ارتباط دارد مطلع بوده و فرصت نقد و بررسی و انتخاب‏ را داشته باشند.قائل بودن به این حق در بعضی امور و غفلت نمودن از آن در امور دیگر و خصوصا در مساله خطیری چون نفت،نوعی تعارض‏ خواهد بود.چنین تعارضی شایسته یک کاندیدای خوب و مورد اعتماد مردم‏ نیست.

علاوه بر این مواضع یک کاندیدا در زمینه مسائل مروبط به بخش‏ نفت و نقش و جایگاه دولت در برخورد با آن بسیاری از خاستگاه‏های‏ واقعی و ریشه‏های فکری یک کاندیدا را در نزد مردم آشکار خواهد نمود. در نظام مردم سالار،دولت منتخب و وام‏دار ملت است،اما تجربه نشان‏ داده است که گفتمان دولت متکی به درآمد انحصاری نفت،به گونه‏ای‏ است که با توجه به نقش توزیع‏کنندگی رانت نفتی،مردم را وام‏دار خود می‏داند،این تعارض تنها می‏تواند در جریان انتخابات و با تبیین مواضع‏ روشن کاندیداها در زمینه نفت و را با ارائه تعهدات و ضمانت‏های اجرائی‏ لازم در این زمینه،مرتفع گردد.

از سوی دیگر با توجه به گره خوردن جایگاه استراتژیک و ژئوپولتیک‏ کشورمان با مساله نفت و تعامل آن با مسائل جهانی و منطقه‏ای،بسیاری‏ از منافع سیاسی و اقتصادی ناشی از نفت،تنها در صورتی حاصل خواهد شد که در سطح ملی و با هماهنگی کلیه دستگاه‏ها،مورد توجه و پیگیری‏ قرار گیرد و لذا مواضع رئیس جمهور در این زمینه نیز باید مدون شود.